

شجاعت در پذیرش اشتباهات است!

غالباً شجاعت را بی‌باکی و نترسیدن معنی می‌کنیم. یعنی بدون ترس و وحشت در از دست دادن موقعیت و مقام سخنمان را بگوییم و آنجا که لازم باشد مخالفت و در مقابل ناحقی‌ها و بی‌انصافی‌ها ایستادگی کنیم. بارها اتفاق می‌افتد زیردستان در مقابل سخن یا دستورالعمل ابلاغی از فرادستان که فاقد صحت و کارایی لازم و احیاناً اشکالاتی است ایستادگی و اشکالات را گوشزد می‌کنند. این‌ها بخشی از ماجرای شجاعت‌ورزی است، اما همه آن نیست.



به نظر می‌رسد شجاعت تنها واکنش بی‌باکانه و قاطع و صریح به کج‌فهمی‌ها و کج‌سلیقگی‌های دیگران نیست، بلکه در پذیرش اشتباهات خودمان نیز هست. اینکه وقتی اشتباهی از ما سر می‌زند، صادقانه بپذیریم و از کاری که کرده‌ایم پوزش بخواهیم، نشانه‌ای بلند از شجاعت است.

شاید اهمیت این بخش از شجاعت‌ورزی کمتر از بخش نخست آن نباشد. شجاعت در کنار مردانگی، جرئت‌ورزی و رودربایستی نکردن بهتر جلوه می‌کند. وقتی از دادن تذکر به موقع به رفتاری نامناسب به همکاران و دوستانمان نمی‌گذریم و اشکالات حرفه‌ای، اخلاقی و رفتاری‌شان را به صراحت و با بیانی نرم و صادقانه گوشزد می‌کنیم، یا به بخشی از نارسایی‌های خودمان در انجام وظیفه اعتراف می‌کنیم، بر نپذیرفتن اشکالاتمان اصرار نمی‌ورزیم و فرصت می‌دهیم فرادستان و زیردستان ما را نقد کنند، در واقع انسان شجاعی هستیم.

شجاعت هم در پذیرش و هم در بیان ایرادات و اشتباهات مافوق یا زیردستان است. اگر رفتارهای خودمان را نادیده انگاریم، و بر آن اصرار ورزیم و از فرادستان بگذریم، این نه تنها شجاعت نیست، بلکه نوعی نفاق و بزدلی است.

بهتر است با گسترش نگرش‌ها، اصلاح رفتارها و افزایش ظرفیت‌هایمان، میدان و عرصه شجاعت‌ورزی را برای خود و دیگران مهیا سازیم، در غیر این صورت گرفتار دورویی و بزدلی می‌شویم.